

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۰۱ اکتوبر ۲۰۱۴

باز هم می روند و اینها را نمی بینند



رہی جز کعبه و بتخانه می پویم که می بینم گروهی بت پرست اینجا ومشتی خود پرست آنجا

باز هم اعراب عید و جشنی دارند به نام عید قربان!! و میلیونها انسان خوشباور را از سراسر جهان زیر نام عقیده و باورمندی های مقدس به دور یک سنگ سیاه می چرخانند. رفتگان به آنجا مجبور اند تا یک سلسله مراسم خیلی ها هم ساده و بدوی را انجام دهند و از برکت تأثیرگذاری فرهنگ خرافاتی اعراب خیمه نشین، چنین پندارند که گناهان شان بخشیده می شود؟

اما هرگز فکر نمی کنند که آیا یک سنگ قدرت و توانائی عفو گناهان یک انسان را دارد؟
نه هرگز!! چون آنها به فکر خود شان و برداشتی که از تبلیغات نوکر های شیوخ عربی داشته اند به خانه الله می روند؟ نه پرستش یک سنگ؟ چون نماینده های اعراب متهاجم طی صد ها سال چنین تبلیغ نموده اند که کعبه خانه الله است. آنها راست می گویند که کعبه خانه الله است چون الله اسم یک بتی بود در داخل کعبه که محمد اسم همان الله را برای اسلام معرفی خودش با اضافه نمودن اکبر یعنی الله بزرگتر گذاشت. قدرت تفکیک این را که این خانه کدام الله است شیوخ عرب و نمایندگان شان از این مسلمانها گرفته است و کمتر مسلمانی هم به چنین موضوعاتی توجه

داشته است

گروهی دیگر از همین قماش عالمان دینی ما مسجد را هم خانه الله گفته اند. حال اگر هر دو خانه الله اسلام باشد ضرورت رفتن به مکه و ریختن پول به جیب شیوخ عربی چیست؟ آیا نمی شود در یکی از همین مساجد به ذکر الله پرداخت؟ آیا خانه عربی الله نسبت به خانه الله در دیگر ممالک برتری دارد؟

موضوع دیگری که اعراب و نمایندگان شان تبلیغ نموده اند اینست: الله در همه جا است؟؟ حال ما که می خواهیم یک کمی بافهم تر و با شعور تر مسلمان باشیم کدام یکی از اینها را قبول کنیم؟ الله مثل انسانها و یا دیگر موجودات به خانه و کاشانه ضرورت دارد؟ یا این که در همه جا است؟

اگر بپذیریم که الله خانه و کاشانه در کعبه دارد و در آنجا است پس رفتن محمد در افسانه معراج و صحبت نمودن او در بالا ها از پشت پرده با الله چه مفهومی می تواند داشته باشد؟؟ چرا اینقدر به اصطلاح زحمت کشید و این همه فاصله را با مرکب پیمود؟ آیا نمی توانست در همین خانه عربی اش یا مسجد الاقصی او را ملاقات نماید؟ یا هم مثل موسی به جای کوه طور، در یکی از همان کوه های عربستان رفته و مستقیماً با الله راز و نیاز می نمود؟ پس معلوم می شود الله در خانه اش نیست و در آسمانها است و این خانه ای را که هم به او نسبت داده اند مال الله اسلام نمی باشد و فقط غرض بهره برداری مادی اعراب تبلیغ شده است

به طور خلاصه: اگر قبول کنیم که الله در همه جا است. پس باید او را در هر جا که هستیم و یا در نزدیک ترین مسجد که خانه الله است پرستش و با او راز و نیاز و طلب عفو گناهان نمود و رفتن به عربستان و پول مصرف نمودن برای شیوخ عربی جهالتی بیش نیست.

اگر الله در همه جا نیست و حتماً باید برای در خواست لطف و کرم او به مکه رفت پس نمی توان او را الله کامل و واجب الوجود دانست و به ارتباط این موضوع سؤال دیگری که پیدا می شود اینست که کسانی که گناهکارند و توان رفتن به مکه را ندارند چطوری می توانند صدای خود را غرض پوزش و طلب مغفرت از بار گناه او را به گوش الله برسانند؟؟؟؟

آیا رفتن به مکه و دور سنگ سیاه به مفهوم عبادت چرخیدن شباهتی به پرستیدن بت ها توسط هندو ها نیست؟؟ فکر می کنم تعداد هموطنان عزیز و خوشباور ما که مسلمانی شان فقط به خاطر این است که در یک فامیل مسلمان متولد شده اند و هرگز هم در باره چگونگی اسلام و مسلمانی فکر نکرده اند و هم عالمان دینی ما با گفتن و اشاعه افسانه های خرافی در مسموم ساختن اذهان شان رول مهمی بازی نموده اند نا مردانه یک تعداد چشم گیر انسانهای محروم و مظلوم کشور را نا دیده گرفته و عوض کمک به همین بی نواها پول های شان را در پرستش یک سنگ در جیب شیوخ عربی ریخته تا سبب عیاشی های بیشتر این مفت خوران گردند

مرو به کعبه که سودی نمی بری زاهد

بیا به کعبه دل سجده کن خدا اینجا ست